

سازمان زنان ایران

حمید ارنجبر عمرانی

رنجبر عمرانی، حمیرا
سازمان زنان/رنجبر عمرانی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ
معاصر ایران، ۱۳۸۵.
۱۹۲ ص: مصور، جدول، عکس.
ISBN 964-6357-78-4

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیها.
کتابنامه: ص: ۱۵۹ - ۱۶۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. سازمان زنان ایران. ۲. زنان - ایران - فعالیت‌های اجتماعی. ۳.
زنان - ایران - وضع سیاسی و اجتماعی - قرن ۱۴. الف. مؤسسه
مطالعات تاریخ معاصر ایران. ب. عنوان.

۳۰۵/۲۲۰۹۵۵
م ۸۵ - ۳۳۵

آس عمر ۱۷۲۵/۲/ HQ
کتابخانه ملی ایران

سازمان زنان ایران



مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

تهران، خیابان ولی عصر، شهید فیاضی (فرشته)، نبش چناران، شماره ۱۲۸

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۱۹۷۵، تلفن: ۸ - ۴۰۳۷ - ۲۲۶۰

پست الکترونیکی: info@lichs.org

نشانی وب: http://www.lichs.org

نویسنده: حمیرا رنجبر عمرانی

حروفچینی و صفحه آرایی: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

آماده سازی، طراحی، چاپ و توزیع:

مؤسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر

تهران، خیابان ایرانشهر جنوبی، کوچه شریف، پلاک ۸ تلفن: ۸۸۸۴۳۲۹۳ - ۸۸۸۲۸۹۰۳

email: nazarprint@hotmail.com

طرح روی جلد: یحیی پاکدل

لیتوگرافی: منظر

چاپ نخست: تهران - بهار ۱۳۸۵

تعداد: ۱۵۰۰ جلد

قیمت: ۲۲۰۰ تومان

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران می باشد.

فهرست مطالب

مقدمه	۷
بخش اول: بررسی اجمالی نقش اجتماعی زن در غرب	۱۷
بخش دوم: بررسی اجمالی حیات اجتماعی زن در ایران	۳۱
۱. ایران پیش از اسلام	۳۱
۲. ایران بعد از اسلام	۳۵
بخش سوم: عوامل مؤثر در پیدایش و شکل‌گیری الگوهای مشارکت اجتماعی زنان	۳۹
۱. ورود فرهنگ غربی	۳۹
۲. انقلاب مشروطه	۴۲
۳. طرح آموزش عمومی منطبق با الگوهای آموزش جوامع غربی	۴۸
۴. مطبوعات	۵۳
بخش چهارم: شکل‌گیری جمعیت‌های زنان	۵۷
۱. اولین جمعیت‌های زنان (در اواخر دوران قاجاریه)	۵۷
۲. جمعیت‌های زنان (در دوران رضاخان)	۶۲
تقسیمات و نحوه سازماندهی جمعیت‌ها	۷۲
ارکان اجرایی شورای عالی زنان ایران	۷۶
۳. شورای عالی زنان ایران	۷۵
ارکان اجرایی شورای عالی زنان ایران	۷۶
شورای عالی زنان ایران و سیاست‌های حکومت پهلوی	۷۸
اساسی جمعیت‌های عضو در شورای عالی جمعیت‌های زنان ایران	۹۲
بخش پنجم: سازمان زنان ایران	۹۵
۱. شورای عالی زنان و آغاز حیات سازمان	۹۵
۲. اعضای سازمان زنان ایران	۹۷
الف) اعضای عادی انفرادی	۹۷
ب) اعضای افتخاری	۹۸
ج) جمعیت‌ها	۹۹
۳. ارکان اجرایی	۱۰۰
الف) مجمع عمومی	۱۰۰

۱۰۲	ب) شورای مرکزی
۱۰۲	ج) دبیرخانه مرکزی
۱۰۶	کمیته‌های نه‌گانه تحقیق
۱۰۹	دبیرخانه و نواقص اداری و اجرایی
۱۱۰	عوامل مؤثر در عدم کارایی واحد شعب
۱۱۱	۴. فعالیت‌های خدماتی و رفاهی
۱۱۱	الف) مراکز رفاه خانواده
۱۱۳	ب) مددکاری
۱۱۴	تأمین موجبات رفاه دختران دانشجو
۱۱۴	طرح خانواده‌پی‌سرپرست
۱۱۵	بودجه مراکز رفاه
۱۱۶	۵. فعالیت‌های آموزشی سازمان زنان ایران
۱۱۷	الف) آموزش‌های کوتاه مدت
۱۱۸	ب) آموزش‌های بلند مدت (سوادآموزی تایی)
۱۲۳	ج) آموزشگاه مددکاری سازمان زنان ایران
۱۲۵	۶. فعالیت‌های تبلیغاتی
۱۲۶	الف) فعالیت‌های چاپ و نشر
۱۲۸	ب) برنامه‌ریزی‌های عمومی
۱۲۹	ج) فعالیت‌های حقوقی
۱۳۱	۷. فعالیت‌های سیاسی
۱۳۲	الف) ریاست سازمان
۱۳۷	ب) ارتباط نزدیک با حزب رستاخیز ایران
۱۳۹	ج) ارتباط با سازمان زنان کشورهای عضو پیمان منطقه‌ای RCD
۱۴۲	د) ارتباط سازمان زنان ایران و سازمان زنان اسرائیل
۱۴۳	هـ) سازمان زنان ایران و آمریکا
۱۴۷	ی) سازمان زنان: عضو فعال سازمان ملل متحد
۱۵۵	و) همکاری سازمان در طرح‌های بی‌حجابی
۱۵۶	بهره‌گیری از فعالیت‌های سازمان‌های اجتماعی و آموزشی
۱۵۸	نتیجه
۱۶۱	فهرست منابع و مآخذ
۱۶۳	اسناد نوشتاری و تصویری
	اعلام

مقدمه

سازمان زنان ایران، یکی از نهادهای اجتماعی بود که در نتیجه بروز شرایط خاص فرهنگی، سیاسی در جامعه ظهور کرد. شکل‌گیری چنین نهادهایی نیازمند تغییر و تحول در زندگی اجتماعی و اندیشه انسانی است. به همین دلیل، تشریح عملکرد و ماهیت سازمان مذکور، نیازمند بررسی پیشینه‌های عمیق اجتماعی و تأثیر و تأثرات جامعه ایرانی از دیگر جوامع بشری است.

حیات اجتماعی زنان در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته و در اثر حوادث تاریخی، متحول شده است. وظایف و نقش‌های خاص و متعددی که زنان در جامعه پذیرای آن شده‌اند، تأثیر بسیاری بر آداب و فرهنگ و اخلاق گذاشته است.

در نخستین جوامع انسانی، اهمیت و جایگاه افراد به نقش اقتصادی آنان و شرکت در تولید احتیاجات خانواده بستگی داشت. با گسترش روابط اقتصادی، عملکرد افراد از محدوده خانوار فراتر رفت. هرچه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی از شکل ابتدایی و محدود، خارج شد، نقش اقتصادی افراد نیز پیچیدگی و تنوع بیشتری یافت. تحولات بزرگی که در اروپا به وقوع پیوست چون شکل‌گیری نظام فئودالیسم، خروج از

فئودالیسم، شکل‌گیری جامعه سرمایه‌داری، آغاز دوران رنسانس، تحولات سیاسی و انقلاب‌های بزرگ نظیر انقلاب صنعتی انگلیس، تغییرات عمده‌ای را در زندگی ایشان فراهم ساخت. مهم‌ترین این تحولات، انقلاب صنعتی بود که بسیاری از ساختارها و روابط اجتماعی را متحول کرد. در پی این رویداد زنان به عرصه صنعت وارد شدند. چنان‌که ویل دورانت می‌نویسد:

انقلاب صنعتی در درجه اول، موجب شد که زن نیز صنعتی بشود؛ آن‌هم تا بدان پایه که بر همه نامعلوم بود و هیچ‌کس خواب آن را هم ندیده بود. زنان، کارگران ارزان‌تری بودند و کارفرمایان، آنان را بر مردان سرکش سنگین‌قیمت ترجیح می‌دادند. یک قرن پیش در انگلستان، کار پیدا کردن برای مردان دشوار گشت. اما اعلان‌ها از آنان می‌خواست که زنان و کودکان خود را به کارخانه‌ها بفرستند... نخستین قدم برای آزادی مادر بزرگ‌های ما، قانون ۱۸۸۲م بود؛ به موجب این قانون، زنان بریتانیای کبیر از آن پس از امتیاز بی‌سابقه‌ای برخوردار می‌شدند و آن اینکه پولی را که به دست می‌آوردند، حق داشتند برای خود نگه دارند. این قانون عالی اخلاقی و مسیحی را کارخانه‌داران مجلس عوام انگلیس وضع کردند تا بتوانند زنان انگلستان را به کارخانه‌ها بکشانند!^۱

در پی حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی و صنعتی، تحمیل‌ها و فشارهای بسیاری بر آنان وارد شد. زنان نیز با اعتصاب‌ها و تظاهرات کارگری نسبت به شرایط خود اعتراض کردند. برجسته‌ترین اقدام آنان، تأسیس جمعیت‌های مختلف بود که اولین حرکت جمعی، هدفدار و سازماندهی شده از طرف زنان محسوب می‌شد و محدود به یک حوزه

۱. ویل دورانت، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۱۵۱.

جغرافیایی معین و تعداد خاصی از زنان عضو همان جمعیت خاص بود.^۲ پس از انقلاب صنعتی، بروز دو جنگ جهانی، تأثیر عمیقی بر حیات اجتماعی زنان در اروپا و به دنبال آن در آمریکا گذاشت. در طی این دوران، به دلیل حضور مردان در جبهه‌های جنگ، اهمیت زنان در کارخانه‌ها، به ویژه کارخانه‌های اسلحه‌سازی دو چندان شد و صاحبان سرمایه مجبور شدند برای بهره‌گیری بیشتر از نیروی زنان، مزایایی چون دستمزد بالاتر، ایجاد مراکز رفاهی مانند مهد کودک‌ها، مزایای حقوقی، کار نیمه‌وقت برای مادران و ... را برای کارگران زن در نظر بگیرند. اما پس از پایان جنگ و بازگشت مردان از جبهه، حتی در دوران بازسازی پس از جنگ، روند حذف تدریجی زنان، به ویژه از مشاغل مهم آغاز شد. بار دیگر، زنان به عنوان نیروی دوم در بازار کار مطرح شدند. به همین دلیل، حرکت‌های معترض و مخالف با وضعیت زنان در جوامع شکل گرفت. به این ترتیب، زن کارگر مطیع و ارزان‌قیمت دیروز به نیرویی معترض و خواهان حقوق اجتماعی جدید در جمعیت‌های زنان تبدیل شد،^۳ بسیاری از حرکت‌های مخالف با سیاست‌های روز را در جوامع مختلف، رهبری می‌کردند.

سیاستمداران سده بیستم در قبال این تحولات منفعل نماندند و با پی‌گیری یک سیاست تبلیغاتی جهانی، بسیاری از حرکت‌های اصلاح‌طلبانه

۲. شایان ذکر است که هدف از بررسی این حرکت‌ها، تأکید بر عملکرد زنان در جوامع مردسالار نیست؛ بلکه بررسی حوادثی است که منجر به تشکیل انجمن‌ها و جمعیت‌های خاص زنان شد.

۳. ماهیت این جمعیت‌ها و حرکت‌ها، اساساً با تفکرات افراطی فمینیستی تفاوت داشت. حرکت این جمعیت‌ها در جهت کسب حقوق بیشتر در صحنه کار و فعالیت‌های صنعتی بود و اغلب در میان طبقات متوسط و کارگری شکل می‌گرفت. برای اطلاع بیشتر از شکل‌گیری تفکرات فمینیستی، نک به: آندره میل، جنبش اجتماعی زنان، ترجمه دکتر هما زنجان‌زاده، مشهد، نشر نیکا، ۱۳۷۲، ص ۵۳.

را تحت‌الشعاع قرار دادند. به این ترتیب که خود، منادی عدالت اجتماعی و برابری شدند و با تدوین قوانین به ظاهر انسانی، وجه دیگری از بهره‌کشی را در فرهنگ سرمایه‌داری غربی با عناوین بشردوستانه به نمایش گذاشتند و در این راه، سازمان‌ها و مؤسسات متعددی را به خدمت گرفتند. در این تغییر، بسیاری از جمعیت‌های زنان نیز تحولات عمده‌ای را پذیرا شدند و حتی برخی از آنان به خدمت اهداف و مضامین سرمایه‌داری در آمدند. اساسی‌ترین هدف در طرح‌های مذکور، به خدمت گرفتن هرچه بیشتر و بهتر نیروهای انسانی، اعم از زن و مرد در سیستم‌های اقتصادی حاکم بود. البته این سیاست‌ها بعد از مدتی به یک دستورالعمل عام تبدیل شدند که با عناوین برابری و آزادی در نظام غربی مورد تبلیغ قرار گرفت و منشأ بسیاری از تحولات در کشورهای مختلف گردیده و نهادها و سازمان‌های جدیدی را به وجود آوردند. یکی از این نهادها، جمعیت‌های زنان بود. در ایران نیز جمعیت‌های زنان پس از طی یک سلسله تحولات اجتماعی شکل گرفتند و در طی زمان، متحول شدند. الگوی آرمانی این جمعیت‌ها، دستیابی به آزادی‌ها و برابری‌های جامعه غربی بود. در صورتی که زمینه‌های فکری، فرهنگی و تاریخی جامعه ایران و جوامع غربی از اساس متفاوت بودند. به منظور شناخت بیشتر این نقاط اشتراک و افتراق، بررسی اجمالی روند رشد جمعیت‌های زنان، ضروری به نظر می‌رسد. از همین رو، بخش اول مبحث سازمان زنان ایران به بررسی اجمالی نقش اجتماعی زن در غرب اختصاص یافته است. اما در جامعه ایرانی، نقش اجتماعی زنان با علل و عوامل متعدد تاریخی و سیاسی، مرتبط بوده است. به همین دلیل، برای شناخت سازه‌های زندگی اجتماعی و بافت فرهنگی زن ایرانی، بخش دوم به بررسی اجمالی حیات اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی زنان در دو مقطع پیش از اسلام و پس از اسلام اختصاص یافته است که ممیزه‌های

خاصی را در نوع فعالیت‌های زنان در این روزها مشخص می‌سازد. در کنار روند کلی حوادث در زمان‌های مختلف، برخی از رویدادها نقش برجسته‌تری نسبت به حوادث دیگر داشته‌اند. مهم‌ترین این حوادث، تغییر و تحولاتی است که از اواسط دوران قاجاریه رخ داد و تغییرات بسیاری را اعم از سیاسی و فرهنگی در ایران به وجود آورد که بخشی از این تغییرات، به زندگی زنان اختصاص داشت. عواملی همچون انتشار مطبوعات، تغییر سیستم آموزشی و عمومیت یافتن آن، و وقوع انقلاب مشروطه، از جمله این تغییرات بودند.

به دنبال وقایع مذکور، فعالیت‌های زنان از شکل انفرادی در محدوده خانواده خارج شد و در بخش محدودی به فعالیت‌های اجتماعی اختصاص یافت. تا این زمان، حضور زنان در اجتماعات، محدود و پراکنده و بدون سازماندهی مشخص بود. ورود زنان به مبارزات علنی با حاکمیت از جمله جنبش تحریم تنباکو و مشروطه‌خواهی سبب شد تا شکل جدیدی از حضور اجتماعی زنان متجلی شود که تا این زمان، نظیر نداشت. مهم‌ترین نمود آن در تشکیل جمعیت‌های زنان و گسترش فعالیت‌های فرهنگی آنان، به ویژه در آموزش و پرورش بود. در این زمان تعداد بیشتری از دختران و زنان به مدارس وارد شده و آموزش و تحصیل مکتب‌خانه‌ای به تحصیل در مدارس به شکل عمومی تغییر یافت. در شیوه‌های جدید آموزشی، مفاهیم و اندیشه‌های جدیدی به محصلان القاء می‌شد که ریشه در فرهنگ آموزشی غربی داشت. این شیوه‌ها که با اقتباس از روش‌های تحصیل در غرب تدوین شده بودند، القائات و تفکراتی را در خود نهفته داشتند که سبب شد، بسیاری از فارغ‌التحصیلان آن، به طرفداران تغییر ساختاری جامعه از سنتی به مدرن تبدیل شوند و تنها راه نجات و پیشرفت جامعه را در بهره‌گیری از الگوهای زندگی و تفکر غربی بدانند. همین افراد، به تدریج در مراکز فرهنگی و خدماتی به

خدمت گرفته شدند و به این ترتیب، تفکر مزبور در سازه‌های اجتماعی متبلور شد. بخش سوم کتاب، روند شکل‌گیری این عوامل را مشخص می‌سازد.

دستیابی رضاخان به قدرت و تأسیس سلسله پهلوی با توجه به ماهیت حکومت و اندیشه حاکم بر آن که به سیاست‌های دولت‌های غربی وابسته بود، سبب شد که برنامه‌ریزی‌های تجددگرایی در رأس سیاست‌های حکومت قرار بگیرد. بخش عمده این تجددگرایی به زندگی اجتماعی زنان، اختصاص می‌یافت. اصلی‌ترین برنامه سوق دادن زن ایرانی به سمت فرهنگ غربی، خط‌مشی برداشتن حجاب بود که با اجرای آن زندگی زن ایرانی، تغییرات عمده‌ای را پذیرا شد: در نخستین گام، با تغییر شکل پوشش، در زمره مصرف‌کنندگان کالاهای غربی درآمد؛ چرا که تغییر در پوشش، تحولات بسیاری را در جوانب زندگی فردی و اجتماعی به وجود آورده و در مراحل گسترش این طرح، زنان به عرصه فعالیت‌های اجتماعی، اعم از صنعتی (صنایع مونتاژ وابسته) و خدماتی راه یافتند. به منظور پیشبرد سیاست‌های ضد حجاب، ابزارهای متفاوتی به خدمت گرفته شدند که تحت عناوین آزادی، تمدن، اجرای حقوق زنان، این برنامه را تبلیغ می‌کردند. مهم‌ترین ابزارها، جمعیت‌های زنان بودند که از ابتدای قدرت‌گیری رضاشاه از سوی وی حمایت شده بودند و در اجرای برنامه‌های کشف حجاب، به ارائه خدمات تبلیغاتی و آموزشی پرداختند. علاوه بر این، روزنامه‌ها و مجلات به ابزارهای تبلیغاتی سیاست‌های حکومت تبدیل شدند و در اوایل دوران پهلوی رشد فزاینده‌ای پیدا کردند. برخی از آنان نیز در اختیار جمعیت‌ها قرار گرفتند. جمعیت‌هایی که در مرحله نخست حیات با شعارهای حفظ شعائر اسلامی در ارتقای فرهنگی زنان ایران مشروعیت اجتماعی خود را به دست آورده بودند، به سرعت تغییر جهت داده و جذب فعالیت‌های تبلیغاتی در طرح‌های

حکومتی شدند. پس از مدتی، حکومت با هدف تجهیز بیشتر نیروهای تجددخواه و رسمیت بخشیدن به حرکت‌های تجددخواهی، اقدام به تأسیس کانون بانوان کرد. این اولین جمعیت زنان بوده که از طرف حکومت حمایت علنی می‌شد. در کنار تأسیس این کانون، حرکت‌های ضد حجاب از طرف حکومت آغاز شد. نیروهای کانون، اغلب زنان طرفدار الگوبرداری از غرب و تجددخواهی بودند. به این ترتیب، از یک سو زور و ارباب حکومت و از سوی دیگر، فعالیت‌های تبلیغاتی جمعیت‌ها و مطبوعات در مقابل افکار مذهبی مردم قرار گرفت و سیاست حجاب‌برداری بر جامعه تحمیل شد. اگرچه با وجود تجهیز امکانات بسیار، تنها بخش محدودی از جامعه را در برگرفت، ولی اهمیت نقش تبلیغاتی زنان برای دولت روشن شد. از آن پس در طول حکومت پهلوی، زنان تجددخواه و غربگرا، نیروی قابل ملاحظه‌ای برای پیشبرد اهداف سیاسی به‌شمار می‌رفتند.

پس از برکناری رضاشاه و روی کار آمدن محمدرضا پهلوی، این نیروها همچنان مورد توجه بودند. به طوری که روز به روز بر تعداد انجمن‌ها و جمعیت‌های زنان افزوده می‌شد. بالاخره در ۱۳۳۲، تمامی جمعیت‌ها در هم ادغام شدند و با عنوان شورای عالی زنان به ریاست اشرف پهلوی آغاز به کار کردند. این تجهیز نیرو تقریباً با طرح انجمن‌های ایالتی و ولایتی دولت مصادف شد و زنان عضو شورای عالی در راستای سیاست‌های حاکم بر شورا با آن اهداف همکاری بسیاری کردند و حتی در مقابل آحاد مردم و نیروهای مردمی و مذهبی نیز ایستادند و برای این طرح‌ها تبلیغات وسیع انجام دادند. در سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۴۰، حکومت پهلوی به منظور تحکیم قدرت بیشتر به سمت امریکایی‌ها متمایل شد و به توصیه طراحان امریکایی، طرح انقلاب سفید را در ایران به اجرا درآورد. هدف مهم این طرح، خروج ایران از بافت سنتی در سطح وسیع و

وارد ساختن آن به دوران نوین اقتصادی اعلام شد. اما نتیجه آن بروز بی‌ثباتی اقتصادی، از بین رفتن کشاورزی، و ظهور صنایع مونتاژ بود. در مرحله اجرای این طرح نیز تعارضات بسیاری در جامعه پیش آمد؛ به طوری که بیشتر نیروهای مذهبی و روشنفکر به عوارض طرح واقف شده، با آن مخالفت کردند. در این میان، حکومت نیز نیروهای متعددی را در مقابل مخالفان خود مجهز ساخت. از جمله نیروی زن غربگرا که از ابتدای تأسیس کانون بانوان تا تأسیس شورای عالی زنان ایران در پیشبرد اهداف غربگرایانه حکومت، عملکردی مؤثر و کارآمد از خود نشان داده بود، مورد توجه بیشتر حکومت قرار گرفت. به همین دلیل، سازمان زنان ایران با امکانات مالی و اجرایی بیشتر در صحنه ایران ظهور کرد. به این ترتیب، سازمان زنان ایران مولود تغییر شکل یافته بسیاری از جمعیت‌هایی شد که از ابتدای مشروطیت شکل گرفته و رشد کرده بودند. پس در فعالیت‌های سیاسی، البته به اقتضای سیاست‌های حکومت شرکت جست. بخش چهارم کتاب، نقش جمعیت‌های زنان را در رویدادهای مختلف روشن می‌سازد و در کنار آن به ذکر عوامل اجرایی و تفکر حاکم بر این جمعیت‌ها می‌پردازد.

چنان که ذکر شد، پس از روشن شدن نقش سازماندهی زنان در پیشبرد اهداف سیاسی، حکومت در صدد حمایت بیشتر از تشکلهای زنان برآمد. زنانی که با عنوان عناصر جدید، نقش مؤثر خود را در جریان‌های مختلفی چون کشف حجاب و طرح انجمن‌های ایالتی و ولایتی نشان داده بودند، در انقلاب شاه و مردم، وظایف دیگری را بر عهده گرفتند و با حمایت مالی دولت، سازمان زنان ایران را به وجود آوردند. بررسی عملکرد و اهداف متعدد سازمان بر اساس اسناد و مدارک به‌جا مانده از آن، تدوین شده است که در بخش پنجم به آن پرداخته می‌شود.

لازم به ذکر است، با وجود آنکه فاصله زمانی حیات سازمان زنان تا امروز چندان زیاد نیست، ولی بسیاری از اسناد و منابع مربوط به آن، از بین رفته است. آنچه از سازمان زنان باقی مانده، تعداد معدودی مکاتبات اداری درجه دو و برخی گزارش‌های سالیانه مربوط به فعالیت‌های آن است که بیشتر آنها جنبه تبلیغی دارند. اخبار مربوط به عملکرد سازمان نیز تنها در برخی مجلات هفتگی درج شده است. با وجود چنین تنگناهایی، توجه دقیق به اساسنامه‌های سازمان، گزارش‌ها و مکاتبات سازمان زنان ایران با ارکان سازمان ملل و جمعیت‌های بین‌المللی زنان، می‌توان تصویر نسبتاً روشنی از ماهیت و عملکرد سازمان به دست آورد.